



سوادآموزی در ۲۰ روز

«جشن سوادآموزی در ۲۰ روز»، عصر سه‌شنبه با حضور برخی از چهره‌های دولتی، فعالان حوزه حمایت از کودکان آسیب‌دیده و جمعی از هنرمندان دغدغه‌مند برگزار شد. به گزارش روابط عمومی موسسه ارفک، جشن سوادآموزی در ۲۰ روز، ویژه تقدیر از ۲۱ کودک و نوجوان سوادآموزته برگزار شد و در حاشیه آن، از یک عمر فعالیت آموزشی علی صدافتی، خیاط معروف به عمو خیاط تجلیل به عمل آمد. در این مراسم با اهدای جوایز ویژه از تلاش ۲۱ دانش‌آموزی که در یک بازه زمانی ۲۰ روزه و تحت آموزش مربیان ارفک توانسته‌اند خواندن و نوشتن را بیاموزند، تقدیر شد. معین کامرانی، مدیرعامل ارفک با اشاره به اهمیت و جایگاه سوادآموزی در کشور به عنوان یکی از اصول توسعه پایدار گفت: «اتفاقی که امروز شاهد به ثمر رسیدن آن هستیم، حاصل همکاری همه‌جانبه سازمان‌های مردم‌نهادی است که زیر نظر و براساس خط‌مشی عمو خیاط، کار آموزش این کودکان را یک‌ماه قبل آغاز کردند.» او ادامه داد: «حضور مادر اینجا گواهی است بر آنچه در این مسیر پیموده‌ایم و امروز خوشحالیم که توانسته‌ایم با اعتماد مهربانانی که همیشه به ما لطف داشته‌اند، در راه مهمی به سمت آموزش نسل آینده‌ساز کشور قدم برداریم.»



تحلیل  
سردبیر

## روایتی درباره تبارشناسی تاریخی و مبانی جامعه‌شناختی بیانیه ۱۱۰ امضایی

# دوم خرداد هم روزنه‌گشایی بود



برخورد با ۱۷۳ مدرسه متخلف

رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی از برخورد قانونی با تخلفات مدارس غیردولتی خبر داد و گفت: «امسال با ۱۷۳ پرونده تخلفاتی در مدارس غیردولتی برخورد شد.» به گزارش ایرنا، احمد محمودزاده با اشاره به برخورد با ۱۰۲۴ مدرسه متخلف در سال اول دولت، افزود: «با حدود ۸۸۶ آموزشگاه غیرمجاز نیز مشکل داشتیم، اما با برخورد بسیار جدی‌ای که در سال اول اتفاق افتاد، شیب تخلفات کاهش یافت. همچنین در این خصوص بحث مجوز مراکز غیردولتی مطرح است که این موضوع هم سروسامان مناسبی پیدا کرده است. ۸ مرکز از ۸۰۰۰ مرکز به صورت کشوری به استان‌ها ابلاغ کردیم که دارای مجوزند و سایرین هم برای فعالیت باید مجوز دریافت کنند.» او ادامه داد: «عدد تخلفات مدارس باید به زیر ۱۰۰ برسد که با تصویب قانون جدید دنبال آن هستیم تا رفت‌وبرگشت قانون از شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت گیرد.»

محمدجواد روح

سردبیر

محمدجواد روح، سردبیر روزنامه «هم‌میهن» که از جمله ۱۱۰ امضاءکننده بیانیه «روزنه‌گشایی کنیم» است، روز سه‌شنبه در جریان نمایشگاه مطبوعات، در نشست به میزبانی سایت «انصاف‌نیوز»، به تبیین تبار تاریخی و مبانی جامعه‌شناختی ایده «روزنه‌گشایی» و نسبت آن با گفتمان اصلاح‌طلبی و نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب پرداخت. متنی که در پی می‌خوانید، چکیده و ویراسته این گفتار در نشست است که نزدیک به سه ساعت ادامه داشت.



**از بُعد نظریات اجتماعی، اغلب تحلیلگران به نسبت این بیانیه با بحث «کنشگری مرزی» اشاره می‌کنند که حضور دکتر مقصود فراستخواه (جامعه‌شناس و صاحب نظریه) در میان این ارزیابی را تقویت کرده است. من نیز از این مسئله را قبول دارم و در میان امضاءکنندگان بیانیه، این ارزیابی را تقویت کرده است. من نیز از این مسئله را قبول دارم و در رد نمی‌کنم**

پاره‌سنگ زیر پای مرکبی که این بار را در این مسیر لغزنده حمل می‌کند، محموله را به زمین می‌ریزد. احمدی‌نژاد همین پاره‌سنگ در مسیر اصلاح‌طلبی بود که تمام سرمایه اجتماعی و اقتصادی را بر باد داد. بعد هم ما را گرفتار تورم، بیماری‌های اقتصادی و تحریم کرد، حالا هم از همه اپوزیسیون‌تر شده است. رئیس هم مانند احمدی‌نژاد است. اما توانایی سخنرانی احمدی‌نژاد را هم ندارد. نمی‌شود که هر بار ما به آن‌ها چک سفیدامضا بدهیم و بگوییم که ما کاندیدا نداریم، شما تشریف بیاورید با رای اقلیت رئیس‌جمهور و نماینده شوید و هر بلایی خواستید سر مردم ایران بیاورید.

از این منظر، معتقدم درباره بیانیه ۱۱۰ امضایی نیز باید نگاه و روایتی بلندمدت داشت و تبار

تاریخی و ریشه‌ها و روندهای پیشین آن را شناخت. با این نگاه است که به‌صراحت باید تاکید کرد: شکل‌گیری بحثی مانند روزنه‌گشایی منبعث از اصلاح‌طلبی است. روزنه‌گشایی در تعارض با اصلاح‌طلبی نیست. به بیان صریح‌تر، انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ به‌عنوان نقطه عطف و بروز نهایی تفکر اصلاح‌طلبی در ایران (که سوابق پیشینی مانند نهضت آزادی پس از انقلاب و جبهه ملی پیش از انقلاب را داشته است)، خود تلاشی برای روزنه‌گشایی در ساختار سیاسی دهه ۱۳۷۰ بود. بزرگانی که امروز منتقد روزنه‌گشایی هستند و بعضاً، حتی این عبارت را به تمسخر به کار می‌برند، خودشان کسانی هستند که صدها بار در مصاحبه‌هایشان گفته‌اند ما انتخابات دوم خرداد را با این رویکرد شرکت کردیم که ۳ یا ۴ میلیون نفر به آقای خاتمی رای بدهند و این سید رای تبدیل به بستری شود برای شکل‌گیری یک نیروی اجتماعی و یک گفتمان جدید. اما در عمل، موج اجتماعی برخاست و این ۳ یا ۴ میلیون رای تبدیل به ۲۰ میلیون شد. به دنبال این موج، یک دولت هشت‌ساله و در کنار آن نیز مجلس ششم شکل گرفت. اما همین موج در سال ۱۳۸۱ و انتخابات شوراهای که آزادترین انتخابات پس از جمهوری اسلامی بود، فروکش کرد؛ به طوری که ۱۰۰ هزار نفر به آقای تاج‌زاده (که امروز تبدیل به نماد رای ندادن و دفاع از آزادی انتخابات شده‌اند)، رای دادند و ایشان رتبه شانزدهم تهران را کسب کرد. تاج‌زاده کسی بود که خودش نقش اساسی را در شکل‌گیری شوراهای داشت. به نظر من، تنهایی که آن روز تاج‌زاده حس کرد؛ از تنهایی امروز او در زندان سنگین‌تر بود. همان‌طور که خیلی‌های دیگر از کارگزاران و نهضت آزادی و دیگر نیروهای اصلاح‌طلب چنین احساسی داشتند.

علوم انسانی مواجه هستیم. در نتیجه، شما نمی‌توانید که یک استاد جامعه‌شناسی یا اقتصاد باشید و بگویید نسبت به سیاست بی‌طرف هستیم و تنها به کار علمی خود می‌پردازیم؛ چراکه نهاد سیاست می‌آید و می‌گوید وقتی ما جامعه‌شناسی اسلامی، اقتصاد اسلامی و سیاست اسلامی داریم، چرا شما مباحث غربی را تئوریزه می‌کنید. چنان‌که با همین رویکرد در سال‌های اخیر شاهد تشدید اخراج اساتید، تألیفات و تغییرات در محتوای علوم انسانی در دانشگاه‌ها بوده‌ایم. بنابراین، کنش‌گری مرزی برای نیروهای فکری و مدنی یک امر ناگزیر است و هر کسی که اندک نگاهی واقع‌بینانه به جامعه داشته و اهل تحلیل و خرد باشد، ناچار از کنش‌گری مرزی است. مگر اینکه بخواهد چشم‌هایش را بر روند تحولات جامعه ببندد و در واقع نه یک روشنفکر، استاد دانشگاه یا روزنامه‌نگار، بلکه یک کارمند باشد؛ در این حالت نیز بهتر است که استخدام نهادهای حکومت شوند که حداقل منفعت مادی آن را داشته باشند.

اما در کنار نسبت بیانیه ۱۱۰ امضایی با نظریه «کنشگری مرزی» که شخصاً نیز آن را قبول دارم، خاستگاه نظری این بیانیه را بیشتر با نظریه «جامعه کوتاه‌مدت» دکتر همایون کاتوزیان مرتبط می‌بینم و فراتر از این ایده و بیانیه «روزنه‌گشایی»، کلاً حرکت اصلاح‌طلبانه را تلاشی سیاسی برای بلندمدت‌سازی جامعه و جلوگیری از توقف و تسلسل روندهای توسعه‌گرایی و دموکراسی خواهی می‌دانم (در این باره، در شماره اول اسفندماه روزنامه «هم‌میهن»، در گفتاری با عنوان «رای دادن علیه جامعه کوتاه‌مدت» بیشتر توضیح داده‌ام). چنان‌که یکی از انتقاداتی که به امضاءکنندگان بیانیه مطرح می‌شود این است که می‌گویند «استمرارطلب» هستیم. من به‌صراحت می‌گویم: «بله؛ من استمرارطلب هستم. چراکه نمی‌خواهم نظریه جامعه کوتاه‌مدت کاتوزیان بیش از این در ایران ادامه پیدا کند.» آقای کاتوزیان سال ۱۳۹۲ مصاحبه و مطرح کرد که رای دادن مردم به روحانی من را امیدوار کرد که جامعه ایران از سیکل کوتاه‌مدت خود خارج شده باشد. یعنی جامعه پس از یک وقفه ۸ساله دولت احمدی‌نژاد پس از دولت سیدمحمد خاتمی، بار دیگر با رای به روحانی به کنش‌گری سیاسی و انتخاباتی بازگشت تا سعی کند که تجربه تاریخی انباشت سرمایه اجتماعی و تقویت تدریجی نهادها و جامعه مدنی را امتداد دهد. ما باید باور کنیم که مسیر اصلاح‌گری لغزنده است. چنان‌که زمانی، آقای مهاجرانی از اصطلاح «بار شیشه» برای توصیف حرکت اصلاحات استفاده می‌کرد. یک



رتبه ۱۰۱ ایران در تعرفه‌های پزشکی

رئیس کل سازمان نظام پزشکی با تاکید بر ابلاغ تعرفه‌های پزشکی ۱۴۰۳ قبل از پایان سال گفت: «اگر همسان‌سازی تعرفه‌های پزشکی انجام شود، باید گفت که قیمت خدمات پزشکی جزو ارزان‌ترین خدماتی است که در این سرزمین ارائه می‌شود.» به گزارش ایستنا، محمد رئیس‌زاده ادامه داد: «براساس برخی از رتبه‌بندی‌های جهانی، ایران از نظر ارزش ویزیت پزشکان در رتبه ۱۰۱ جهان قرار دارد. ارزش ویزیت از نظر عدد پرداختی نسبت به کشورهای منطقه پایین‌تر است، اگرچه کیفیت خدمات پزشکی براساس رتبه‌بندی‌های دنیا در جایگاه‌های بالایی قرار دارد، اما ارزش ویزیت پزشکی از منظر عددی از برخی کشورهای آفریقایی کمتر است.»